

۱. گزینه ۲ تناقض paradox و حسن تعلیل هرگز در گزینه ی ۲ دیده نمی شود.
۲. گزینه ۲ در گزینه ی الف، (روزی) در مصرع دوم ایهام دارد (۱- یک روز؛ ۲- رزق) و با نظر به اینکه ایهام سومین آرایه ای است که در اصل پرسش ذکر شده، پاسخی درست است که سومین مورد آن الف باشد و بنابراین گزینه های ۱ و ۴ به کنار می روند. در گزینه ی ب، (چو خاکت می خورد) کنایه است از اینکه می میری زیرا در خاک قرار گرفتن نشانه ی مردن است و بنابراین کنایه یا پوشاننده ی مردن. گو اینکه در عبارت کنایه بالا استعاره ی مکنیه از نوع تشخیص نیز وجود دارد. از سخن خود دور نیفتیم: گزینه ی ب، کنایه دارد و کنایه اولین آرایه ای است که در اصل پرسش ذکر شده است بنابراین اولین مورد در گزینه ها باید ب باشد که به آسانی به گزینه ی ۲ می رسیم.
۳. گزینه ۱ زمینه داستانی حماسه را بیان می کند. در گزینه های دیگر با آوردن «جمشید و روز نو (نوروز)»، «درفش» و «کلاه کیانی» به زمینه های ملی اشاره شده است.
۴. گزینه ۲ در گزینه ی «۱»، جرم به کوه گران مانند شده و نیز «دریای رحمت» تشبیه بلیغ است؛ در گزینه ی «۲»، آرایه ی استعاره مشاهده می شود و شاعر تشبیه «خرد مانند آدم است» را در ذهن داشته است اما ویژگی مشبّه به (دیده) و مشبه (خرد) را به زبان آورده و همان طور که می دانید به این فرایند استعاره ی مکنیه یا استعاری کنایه ای می گوئیم و در ضمن ترکیب «دیده ی خرد» فک شده و به صورت «خرد را دیده» به کار رفته است. در گزینه ی «۳»، نیز تشبیه دیده می شود.
۵. گزینه ۴ تلمیح به داستان حسین بن منصور حلاج/چند مرده حلاج بودن کنایه از توانایی داشتن/حلاج در مصراع دوم با منصور ایهام تناسب دارد/تشبیه در بیت نیست.
۶. گزینه ۲ در گزینه ی «۱»، «در گدایی، گنج سلطانی به دست داشتن» و در گزینه ی «۳»، «کساد بودن رونق بازار» متناقض نمایی دارد. در گزینه ی «۴»، با شیوه ای که در نوشتن مصرع نخست به کار بسته شده یعنی کما یا درنگ نمایی که پس از واژه ی مجموع آمده، paradox را نمایان می سازد هر چند این مصرع می باید به صورت «با سر زلف تو مجموع پریشانی دل» نوشته شود. لیک در گزینه ی «۲»، paradox دیده نمی شود. «سکوت فریاد می کشید» این عبارت بازنمایی جداگانه ی سکوت و فریاد نیست بلکه ترکیب دو مفهوم متضاد، «سکوت فراگیر» را بیان می کند. گزینه ی «۴» صحیح است. زیرا که در آنجا گفته شده: تمامی رنج های پریشانی دلم لرا اکنون در کنار زلف تو هستم باز می گویم.
۷. گزینه ۲ حس آمیزی: شیرینی در مورد گفتار، آمیختگی هر دو حس چشایی و شنوایی را نشان می دهد (چشایی + شنوایی)؛ چه، هیچ کس سخن را زیر زبان نمی گذارد و نمی چشد بل می شنود؛ متناقض نما: شهد و نمک بودن با هم در مورد «شور»
۸. گزینه ۴ حس آمیزی: حلاوت و تلخ در مورد سخن - متناقض نما: حلاوت داشتن سخن تلخ- اسلوب معادله: شباهت مفهوم هر دو مصراع که مصراع دوم تأییدی است بر مصراع نخست - مراعات نظیر: ماهیان و آب دریا
۹. گزینه ۱ کنایه: دل ندادن (بی توجهی) به داغ دل باغ - استعاره و تشخیص: باغ چون دل به آن نسبت داده شده است.
۱۰. گزینه ۴ تلمیح: موضوع جمشید و خاتم - تشبیه «خاتم لعل» و تشبیه خاتم لعل به جم - کنایه: به زیر نگین کشیدن آفاق
۱۱. گزینه ۲ در گزینه های «ج» و «ه»، تناقض لغوی کاملاً آشکار است: «جمع و پریشان بودن» و «عین درمان بودن درد» در گزینه ی الف نیز چون شاعر می گوید: در برابر تو بنده ام و در برابر دیگران شاه و سرور؛ بنابراین بنده و سرور بودن یک شخص، نوعی تناقض است. در گزینه ی «و» چون مقایسه ی «خاک میکده» و «آب حیوان» مطرح شده است و خوشتر بودن یکی بر دیگری خاطر نشان شده است - نه این که یک چیز، دو حالت متضاد داشته باشد- تناقض نیست.
۱۲. گزینه ۴ تشخیص و استعاره ← گل(به دلیل جامه دریدن و آمدن). ایهام به خاطر واژه ی «بو» که در هر دو معنای زیر پذیرفته است: ۱- شمیم، بوی ۲- آرزو به خاطر «جامه دریدن گل» و «جامه دریدن ما»
۱۳. گزینه ۲ بی گمان «شور» به معنای «هیجان» بیان شده، و بر این بنیان، در معنای پذیرفته ی آن، یعنی شور بودن و حوزه ی مزه ها با واژه ی شیرین مراعات نظیر ساخته و پس ایهام تناسب پدید آمده است. وجود آرایه ی تلمیح و چشم داشت به یک داستان نیز بی گمان است. همچنان آرایه ی تضاد به خاطر «نیست (نه ... است)» وجود دارد. «شور شیرین» را نیز کسانی ممکن است، متناقض نمایی paradox بدانند و برای همین گزینه ی ۴ نیز پذیرفته خواهد بود. هر چند پاسخ درست این پرسش همان گزینه ی ۲ است.
۱۴. گزینه ۱ تشبیه (— بلیغ اضافی): باران اشک: استعاره (— مُصرّح یا آشکار): ابر (استعاره از دل) و آتش (استعاره از اندوه) کنایه: باران اشک روان داشتن و سوختن، هر دو نشانه ی اندوه اند و بنابراین پوشاننده و کنایه اند از اندوه. گو این که این تصویرهای

کنایی با اغراق همراه اند.



مجری طرح توسعه عدالت آموزشی

[www.sanatishtarif.ir](http://www.sanatishtarif.ir)

۱۵. **گزینه ۲** این که «صبا» مورد خطاب واقع شده است، استعاره ی مکنیه از نوع تشخیص است؛ یعنی گوینده در ذهن خود صبا را همانند انسان دانسته است و پس ویژگی مشبه به (انسان)؛ ای و خود مشبه : صبا را بر زبان روان ساخته است. از دیگر سوی، «رمدن» و «رام گردیدن» کنایه اند از «نافرمانی» و «سرسپردگی».
۱۶. **گزینه ۲** دم: مجاز / دم زدن: کنایه / اشاره به دم مسیحایی: تلمیح / دور اندیش: ایهام
۱۷. **گزینه ۴** «گوهر جان» تشبیه بلیغ اضافی است. «انگشت سودن» کنایه است. و از خوشه های واژگان مراعات نظیر: «گوهر، صدف»، «انگشت، دست، تن»
۱۸. **گزینه ۲** تشبیه لعل لب؛ کنایه: در مصرع دوم، خورشید خوی کرده (عرق کرده)، نشانه و بنابراین کنایه از آن است که خورشید شرمند شده؛ تشخیص: بدان روی که به خورشید شخصیت انسانی داده شده است.
۱۹. **گزینه ۴** ایهام تناسب «د»: چنگ به معنای ساز است اما در معنای دیگر با دست مراعات النظیر دارد. حسن تعلیل «ج»: مصرع دوم علتی است برای آن چه در مصرع نخست می گوید: از آن روی، دلش با چشم تر یک رنگ است که «پای اشک خونین در میان است»
- اغراق «الف»: شمعی که سر بر عرش رسانیده.
- حس آمیزی «ه»: از صدای سخن عشق ندیدم (آمیختن دو حس شنوایی و بینایی). تناقض «ب»: کشت امیدم ز آب سوخت.
۲۰. **گزینه ۴** در گزینه ی «ا» زخم (از مصدر زدن) و زخم (زن هستم) جناس تام دارند و از دیگر سوی، حاکم (= ۱. فرمان روا، ۲. حکم کننده) ایهام ساز است.
- در گزینه ی «۲»، «دیده ی بخت» استعاره است (استعاره ی مکنیه از نوع تشخیص) و «می گنم - می گنم» جناس ناقص حرکتی.
- در گزینه ی «۳»، شهر مجازاً یعنی مردم شهر، و واژه های «جمع و متفق» تضاد دارند.
- در گزینه ی «۴»، در بسیاری آب چشم «اغراق شده»، آرایه ی اغراق هم به درستی ذکر شده؛ ولی حسن تعلیل وجود ندارد و به همین دلیل این گزینه را به عنوان پاسخ می پذیریم.
۲۱. **گزینه ۲** تشبیه: چشمه ی خورشید؛ استعاره: ذره و خورشید (خورشید استعاره از ذات الهی یا معشوق)؛ حسن تعلیل: علت خواهان خورشید شدن، داشتن همت عالی دانسته شده است؛ نغمه ی حروف یا واج آرایه با تکرار واج «ش» به گوش می رسد تشخیص: ذره (پس بهتر است که ذره، نماد دانسته شود نه استعاره)
۲۲. **گزینه ۱** ایهام ← هـ (قلب: ۱- دل، ۲- دروغ، ناراست)
- تلمیح ← الف (اشاره به داستان حضرت یوسف)
- جناس ← ج (بال و بالا جناس ناقص افزایشی دارند)
- حسن تعلیل ← ب (علت به خود پیچیدن نامه گفته شده و چنین است: ننگ این مطلب که از من بی مقدار یاد کرده ای، نامه نوشته ای) کنایه ← د (دویدن از پی چیزی)
۲۳. **گزینه ۱** کنایه: رخ بر رخ کسی نهادن، نشانه و بنابراین کنایه است از دیدار جناس تام: رخ در مصرع نخستین به معنای چهره است و رخ مصرع دوم، مهره ی شطرنج است. این را هم باید گفت که میان واژه های «ماه و شاه» نیز جناس ناقص اختلافی دیده می شود. ایهام: رخ در مصرع دوم دو معنا دارد: ۱- نام مهره ای در بازی شطرنج (در این معنا با رخ مصرع نخست، جناس تام می سازد) ۲- چهره استعاره: ماه در مصرع نخستین، استعاره از معشوق است.
۲۴. **گزینه ۳** کنایه: چشم داشتن از چیزی - جناس: چشم و چشمه، لب و لب - استعاره و تشخیص: "لب لعل تو" چون از آن انتظار دارد - تشبیه لب لعل
۲۵. **گزینه ۲** استعاره: نرگس استعاره از چشم / هم چنین نسبت دادن بی خبری به چشم، تشخیص و به تبع آن، استعاره به شمار می رود.
- تناسب (مراعات نظیر): طاق: مشبه به ابرو (مشبه)
- تناسب (نظیر): طاق، محراب (مجموعه سازه های موجود در مسجد)
۲۶. **گزینه ۴** جناس: بیت «الف»: ساخت، سخت (جناس ناقص)
- تشخیص: بیت «ه»: مخاطب واقع شدن قلم نشان دهنده ی آرایه ی تشخیص (جان بخشی) است. هم چنین این که قلم بتواند در تهران غلغل (هیاهو) به پا کند و از شرع قرآن حمایت کند، تشخیص به شمار می رود.
- ایهام: بیت «ج»: نگران: ۱- پریشان و مضطرب ۲- نگرده، نگاه کننده
- متناقض نما: بیت «د» این که آزادی موجب گرفتاری شاعر شده است و این شاعر آزادی را بند گرفتاری قلمداد می کند، بیانی متناقض

نما است.

حس آمیزی: بیت «ب»: جواب تلخ (آمیزش دو حس حسّ شنوایی و چشایی)



مجری طرح توسعه عدالت آموزشی

[www.sanatishtarif.ir](http://www.sanatishtarif.ir)

۲۷. گزینۀ ۲ کنایه: بر در خانه بودن: جناس: مَه و مَن، بَر و دَر؛ تکرار: مَن؛ استعاره: مه و مشتری هر دو استعاره اند از معشوق.
۲۸. گزینۀ ۴ در گزینۀ های دیگر، لعل ( گزینۀ ی ۲)، دُرّ ( گزینۀ ی ۱)، لعل، قند و دُرّ ( گزینۀ ی ۳) و گهر، حقه ی لعل، شکر، مروارید ( در گزینۀ ی ۴)
۲۹. گزینۀ ۲ کنایه ی همراه با اغراق: اشک گلگون از سر گذشتن؛ مجاز: گل؛ تشبیه [ - بلیغ اضافی ]: بُستان عشق.
۳۰. گزینۀ ۳ تشبیه: خون به نافه - جناس: خون به چون - کنایه: خون در دل افتادن - مراعات نظیر: نافه و خون و مشکین؛ خون و دل و جگر
۳۱. گزینۀ ۱ «الف» تشبیه مرّج دارد، زیرا لب خندان معشوق را از غنچه فراتر دانسته است. «ب» لفّ و نشر دارد گروه لف: نیاز من، ناز تو، و گروه نشر: پیدا، نهان. «ج» ایهام دارد به خاطر آن که واژه ی روان در دو معنای جان و رونده پذیرفته است و در گزینۀ «د»، علت نشان دادن روی معشوق گفته شده یعنی حسن تعلیل دارد.
۳۲. گزینۀ ۱ چو گل گوش فکندیم: تشبیه، گوش: مجاز، راه به جایی بردن: کنایه، راه بردن حرف: استعاره مکنیه
۳۳. گزینۀ ۳ «الف» دانه ی خال: تشبیه. «ب» دیوان - دیوان: جناس تام. «ج» استعاره ی مکنیه از نوع تشخیص. «د»: تناقض. «ه» اسلوب معادله
۳۴. گزینۀ ۲ سرو: استعاره از قامت معشوق
۳۵. گزینۀ ۱
۳۶. گزینۀ ۳
۳۷. گزینۀ ۲
۳۸. گزینۀ ۲
۳۹. گزینۀ ۴ «پرده دریدن» کنایه از «رسوا کردن» / ایهام تناسب: «چنگ» دو معنا دارد: ۱- چنگال، دست (که معنای مورد نظر بیت است)، ۲- آلت موسیقی که با «مطرب و پرده ی عشاق» تناسب دارد. / جناس تام: «پرده» در مصراع اول به معنای «نوا و نغمه» و «پرده» در مصراع دوم به معنای «حجاب و پوشش» است.
۴۰. گزینۀ ۴ ب- شیرین: ایهام با فرهاد تناسب / ه- اجل به رهن تشبیه شده / د- اشاره به معجزه حضرت موسی / ج- سلام خشک: حس آمیزی
- الف: مصرع دوم اغراق دارد
۴۱. گزینۀ ۲ بت استعاره از معشوق و محبوب
۴۲. گزینۀ ۴ درج: اسلوب معادله
- بررسی موارد در سایر گزینۀ ها:
- گزینۀ ی ۱: حس آمیزی: نسبت دادن تلخی و شیرینی به افسانه / اغراق: این که لطافت و تأثیر معشوق به قدری است که معشوق از خون، شیر و از نوش، نیش و از خار، گل می سازد.
- گزینۀ ی ۲: تشبیه شاخه گل (مشبه) به دام (مشبه به) / کنایه: رشته بر پا کنایه از اسیر و گرفتار
- گزینۀ ی ۳: مجاز: عالم مجاز از مردم عالم / جناس: «رو» و «سو» (ناقص اختلافی)
۴۳. گزینۀ ۳ مجاز (بیت د): فردا مجاز از روز قیامت
- حسن تعلیل (بیت ج): شاعر دلیل پشت ابر رفتن ماه را جلوه گری چهره ی چون آفتاب معشوق دانسته است.
- ایهام (بیت الف): بو: ۱- رایحه، شمیم ۲- آرزو و امید
- درج (بیت ب): آوردن ۳ سوره ی توحید
- دقت کنیم به آوردن آیه یا حدیث در سخن، (اقتباس) و (درج) نیز می گویند. البته آرایه ی درج از موضوعات مورد پرسش در بخش عمومی نیست.
۴۴. گزینۀ ۳ دست نوازش: اضافه استعاری / شیرین سخن: حس آمیزی / دست: مجاز (مصرع دوم) / مصرع دوم تمثیل (معادل) است برای مصرع اول: اسلوب معادله
۴۵. گزینۀ ۳ لفظ چون فریادی است / شعر همچون دریا / شراب خون: اضافه تشبیهی / دانه لفظ: اضافه تشبیهی / شهد چون کاسه خون است / پس پنج تشبیه به کار رفته است.
۴۶. گزینۀ ۲ ج - هزار: ایهام تناسب ۱- بلبل ۲- عدد هزار در مفهوم بلبل با باغ تناسب دارد.
- د - حسن تعلیل: علت نگریستن مردم به ماه دلیل شاعرانه ای که واقعیت ندارد.
- الف - کنایه: به خاک در جان سپردن: کنایه از فدا شدن در طریق عشق

ه - اسلوب معادله: مصرع دوم تمثیلی است برای مصرع اول  
ب - تناقض: خفته بیدار



مجری طرح توسعه عدالت آموزشی

[www.sanatishtarif.ir](http://www.sanatishtarif.ir)

۴۷.گزینه ۳ د- دوری، وصال ← تضاد/ الف- بوی: ۱- رایحه ۲- آرزو ← ایهام

ه- دام نجات ← تناقض/ ج- سرو بر طرف گلستان ز حیا بنشیند ← تشخیص

ب- بگرفت اشک دیده من رهگذار من ← حسن تعلیل

۴۸.گزینه ۴ تشبیه: ماتم همچون سور است (تشبیه اسنادی)/ ایهام تناسب: منصور: ۱- حلاج ۲- یاری شده/ واژه (منصور با دار)

تناسب دارد/ تناقض: ماتم سور است/ تلمیح: اشاره به منصور حلاج

۴۹.گزینه ۱ در بیت ۱ حسن تعلیل وجود ندارد/ در بیت ۲ شب من سحر ندارد: کنایه/ در بیت ۳ بوی جان و لب قدم: استعاره/ در

بیت ۴ مدام: ایهام الف: پیوسته ب: شراب

۵۰.گزینه ۱ رخ فرو پوشد: کنایه

روی تو همچون آفتاب، تشبیه

ماه و پروین رخ فرو پوشیدن: تشخیص و استعاره

ماه و پروین: مجاز از ستارگان